

## تأثیر عنوان خواسته بر رسیدگی و تصمیم دادگاه

ریما امیرا قدم\*

### مشخصات رأی بدوی

شماره دادنامه بدوی: ۹۳۰۰۰۷۲۲۰۸۰۰۱۵۲۵

تاریخ صدور رأی بدوی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

مرجع رسیدگی بدوی: شعبه ۲۵۹ دادگاه عمومی خانواده تهران

### مشخصات رأی تجدیدنظر

شماره دادنامه تجدیدنظر: ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۴۰۰۰۲۳۸

تاریخ صدور رأی تجدیدنظر: ۱۳۹۴/۰۲/۱۵

مرجع رسیدگی تجدیدنظر: شعبه ۴۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

خواسته: تهیه مسکن مستقل و متناسب در شأن زوجه

### ۱. وقایع پرونده

در این دعوی، خواسته الزام به تهیه مسکن مستقل و متناسب در شأن زوجه مطرح شده است. دادگاه بدوی به علت عدم ارائه دلیل موجه توسط خواهان، حکم به بی‌حقی وی صادر نموده است. با تجدیدنظرخواهی زوجه، دادگاه تجدیدنظر با این استدلال که خواسته مذکور، دعوی مستقلی به حساب نمی‌آید و باید تحت عنوان مطالبه نفقه (که مسکن از مصادیق آن است) طرح شود و در دعوی فعلی قابلیت اجرا ندارد، دادنامه بدوی را نتیجتاً تایید کرده است.

\* دکترای تخصصی حقوق خصوصی، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران



## متن رأی بدوی

درخصوص دادخواست ص. ف. با وکالت س. ک. به طرفیت ع. ن. به خواسته الزام خواننده به تهیه مسکن و مطالبه خسارات دادرسی با توجه به شرح دادخواست و با توجه به اینکه خواهان در جلسه رسیدگی حاضر شده و جهت اثبات ادعای خود، دلیل موجهی به دادگاه ارائه نداده است؛ لذا دادگاه به استناد ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی و ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی، حکم به بی‌حقی خواهان را صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره، حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه‌های محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

## متن رأی تجدیدنظر

درخصوص تجدیدنظرخواهی خانم ص. ف. با وکالت آقای ف. و خانم ک. به طرفیت آقای ع. ن. از دادنامه شماره ۱۵۲۵ مورخ ۹۳/۱۱/۱۹ شعبه محترم ۲۵۹ دادگاه خانواده تهران که به‌موجب آن، حکم به بی‌حقی مشارالیها درمورد دعوی مطروحه مشارالیها با وکالت نامبردگان به طرفیت آقای ع. ن. با وکالت آقای م. د.، به خواسته الزام زوج به تهیه مسکن مستقل و متناسب در شأن زوج در پرونده کلاسه ۹۳/۱۲۳۱ تصدیق گردیده، دادگاه اجمالاً اعتراض را وارد نمی‌داند؛ زیرا دعوی مطروحه، دعوی مستقلی نبوده و قابلیت اجراء ندارد و بلکه زوج و یا وکیل وی می‌بایست دادخواست نفقه که مسکن نیز جزء آن می‌باشد تقدیم می‌نمود و چون رأی براساس مقررات و موازین قانونی صادر شده، ایرادی از حیث ماهوی یا شکلی به آن وارد نیست و استدلال محکمه محترم بدوی و نیز مستندات آن صحیح می‌باشد و تجدیدنظرخواه دلیل یا دلایلی که موجبات نقص و یا بی‌اعتباری دادنامه را فراهم نماید ارائه ننموده؛ لذا بنا به مراتب، دادگاه مستنداً به قسمت اخیر ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۷۹/۱/۲۱ ضمن رد اعتراض معترض، دادنامه معترض‌عنه را نتیجتاً تأیید می‌نماید. رأی دادگاه به‌موجب ماده ۳۶۵ قانون فوق‌الذکر، قطعی است. تجدیدنظرخواه به تقدیم دادخواست مطالبه نفقه که مسکن علی‌حده و مستقل و متناسب در شأن زوج جزء آن می‌باشد هدایت می‌شود.

## ۲. نقد و بررسی

همان‌طور که بیان شد، در این پرونده، حکم به بی‌حقی خواهان به دلیل طرح دعوی با خواسته الزام به تهیه مسکن مستقل مورد تأیید دادگاه تجدیدنظر قرار گرفته است، با این استدلال که مسکن از مصادیق نفقه می‌باشد و باید تحت عنوان

مطالبه نفقه مطرح گردد؛ این موضوع از حیث رسیدگی دادگاه، مطابقت آن با دیدگاه تحلیل اقتصادی و نوع تصمیم دادگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دانش حقوق، ابزاری است برای دستیابی به اهداف اجتماعی، لذا این دانش وابسته، به‌تنهایی کفایت نمی‌کند و وضع و تفسیر قوانین و آراء قضایی و استدلالات حقوقی مستلزم آگاهی از شرایط اجتماعی و انسانی است.<sup>۱</sup> و از آنجا که چنین دانشی، تابع و تالی تحولات علمی است به این دلیل فارغ از چارچوب و شکلی دائمی می‌باشد. درواقع، این نیروهای اجتماعی است که حقوق را می‌سازد.<sup>۲</sup> می‌توان گفت همان‌گونه که حقوق و سیاست، انفکاک‌ناپذیر است، این دانش متعلق و وابسته، تحت تأثیر عوامل دیگری چون اقتصاد نیز می‌باشد.

تحلیل اقتصادی حقوق عبارت است از اعمال روش‌های اقتصادی تحلیل حقوق؛ به سخن دیگر، این روش تفسیر، از مفاهیم اقتصادی به‌منظور توضیح آثار مقررات، ارزیابی قواعد حقوقی کارآمد از نظر اقتصادی و پیش‌بینی اقبال مردم به قواعد حقوقی، استفاده می‌کند.

بررسی قوانین و آراء قضایی از دیدگاه تحلیل اقتصادی امروزه اهمیت بیشتری یافته است. از دیدگاه طرفداران این تحلیل، هدف تمام قواعد و نهادهای حقوقی باید رسیدن به «کارایی»<sup>۳</sup> یا «افزایش ثروت»<sup>۴</sup> و یا «نقطه تعادل»<sup>۵</sup> باشد؛ چنانچه قواعد و نهادهای موجود نتوانند این اهداف را برآورده سازند باید اصلاح گردند یا تغییر داده شوند. به باور آنان قواعد حقوقی و رفتار به‌گونه‌ای ذاتاً به هم وابسته‌اند.<sup>۶</sup> از سوی دیگر، مطالعات اقتصاددانان نشان می‌دهد که وجود یک نظام حقوقی کارآمد می‌تواند برای توسعه و پیشرفت اقتصادی مؤثر باشد.<sup>۷</sup> برای مثال، صدور آراء

1. Oliver Wendell Holmes, *The Common Law*, Forty fourth printing, Little Brown and Company, Boston, (1951), p.1; Carl F Stychin, *Legal Method: Text and Materials*, Sweet and Maxwell, London, (1999), Pp. 12 – 14.
2. Georges Ripert, *Les Forces creatrices du droit*, Librairie Generale de Droit et de Jurisprudence, Paris, (1955), p. 11.
3. Efficiency
4. Wealth maximization
5. Balance point
6. Christopher Berry Gray, *The Philosophy of Law: An Encyclopedia*, 2 Volumes, Garland Publishing, INC, (1999), Pp. 246 – 247.

۷. یداله دادگر، «پیش‌درآمدی بر سنتز حقوق و اقتصاد»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۴۳ (۱۳۸۵):

همانند در دعاوی مشابه در مرحله تجدیدنظر می‌تواند از موجبات تحقق معیار افزایش ثروت قلمداد گردد؛ چراکه اصحاب دعوی و وکلایشان در صورت پیش‌بینی نتیجه آن، در بسیاری از موارد اقدام به تجدیدنظرخواهی نمی‌کنند که خود منجر به حداقل رساندن هزینه‌هاست. بنابراین، آراء همانند دادرسان می‌تواند موجب رسیدن به نقطه بهینه باشد. در زمینه تفسیر و اجرای قانون، توجه به این معیارها نیز می‌تواند منجر به تکرار آراء همانند دادرسان گردد؛ لذا دارای اثر متقابل هستند. از آنجا که مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده رویه قضایی، تفسیر دادگاه‌ها از قانون است و در صورتی که تفسیر ارائه‌شده از قانون، منطبق با واقعیات اقتصادی، اجتماعی و ... نباشد کارآمد نبوده و از طرفی، روند تغییر یا اصلاح قانون به طول می‌انجامد این رویه قضایی است که می‌تواند با ارائه یک تفسیر متناسب و منطبق با واقعیات آن مقطع زمانی، هدف قواعد حقوقی را در راه رسیدن به «کارآیی» برآورده سازد که از معیارهای نیل به نقطه بهینه از دیدگاه تحلیل اقتصادی تلقی می‌گردد.<sup>۱</sup>

علت تصمیم دادگاه، عنوان خواسته در این پرونده است و خواسته دعوی، از شرایط دادخواست و آن چیزی است که خواهان از دادگاه تقاضای رسیدگی به آن را دارد. بنابراین، خواسته خواهان، محدوده رسیدگی دادگاه را مشخص می‌کند. خواسته‌ها (مانند دعاوی مالی یا غیرمالی و یا منقول و یا غیرمنقول و ...) انواع گوناگونی دارند. صدور حکم به بی‌حقی خواهان به دلیل طرح دعوی با خواسته الزام به تهیه مسکن مستقل و متناسب با معیارهای دیدگاه تحلیل اقتصادی هم‌خوانی ندارد؛ با توجه به اینکه عناوین خواسته‌های قابل طرح در قانون احصاء نشده، در صورتی که خواسته‌های گوناگونی قابل طرح است، این رویه قضایی است که تصمیم می‌گیرد کدام خواسته قابل رسیدگی بوده و کدام خواسته و به چه دلیلی قابل رسیدگی نیست.

زمانی که قانون نسبت به موضوع و مسئله حقوقی حکمی ندارد، بدیهی است که نمی‌توان به این دلیل مسئله را مسکوت گذاشت و وضع قاعده می‌تواند در

۱. نک: محمدرضا ویژه، «امنیت حقوقی به‌مثابه شرط تحقق امنیت قضایی»، مجله راهبر (بهار ۱۳۹۰):

مرحله اجرای قوانین و به‌وسیله رویه قضایی صورت گیرد و می‌توان با توسل به تفسیر، مسئله را حل و فصل کرد.

مفسر با توجه به رشد سریع روابط اجتماعی و پیدایش مسائل جدید و غیرقابل پیش‌بینی در قلمرو حقوق، باید حقوق را با واقعیت جدید دمساز و منطبق کند یعنی با تغییر حقوق سابق، حقوق نوینی به‌وجود آورد.<sup>۱</sup>

مطالبه نفقه زوجه از جمله خواسته‌هایی است که در قالب دعوی حقوقی، قابل طرح و رسیدگی است. درحالی‌که طبق استدلال رأی مورد بررسی، مطالبه مصادیق آن به‌طور مجزا قابل رسیدگی در دادگاه نبوده و دعوی مستقلی محسوب نمی‌شود. این موضوع بی‌آنکه در قانون بدان اشاره‌ای شده باشد موجب صدور حکم به بی‌حقی خواهان، عدم استرداد هزینه دادرسی پرداخت‌شده و بررسی مجدد آن در فرض طرح آن با خواسته مطالبه نفقه گشته است که هیچ‌یک با معیارهای تحلیل اقتصادی هماهنگی ندارد، چون منجر به افزایش هزینه‌ها شده و کارآمد نخواهد بود.

این استدلال که دعوی الزام به تهیه مسکن، به‌طور مستقل قابل رسیدگی نبوده و در فرض رسیدگی، رأی صادره قابلیت اجرا ندارد، صحیح به‌نظر نمی‌رسد. زیرا اینکه به چه دلیلی الزام زوج به تهیه مسکن مستقل که یکی از تعهدات وی و شرط تمکین زوجه است غیرقابل اجراست، مشخص نیست؛ درحالی‌که اهمیت این امر تا جایی است که در فرض عدم تهیه آن توسط زوج و سرگردانی زوجه در مدت قابل توجهی حتی می‌تواند موجب تحقق عسر و حرج و مبنای صدور رأی طلاق باشد.

در نگرش اقتصادی، حقوق، قواعد و نهادهای حقوقی بر مبنای «کارایی اقتصادی»<sup>۲</sup> مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. قواعد حقوقی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ ۱. قواعد نوشته: که معمولاً از حیث به روز نبودن و قدمت، کمتر کارایی اقتصادی دارند؛ ۲. قواعدی است که توسط قضات<sup>۳</sup> به وجود می‌آیند و معمولاً چون

۱. هانس کلسن، النظرية المحضة في القانون، ترجمه اکرم الوتری، بغداد (۱۹۸۶م)، صص ۱۳۷ - ۱۴۰.

2. Economic Efficiency

3. Judge - made rules

در رابطه با قضیه مطرح و در حال بررسی و جدیدی وضع می‌شوند با واقعیات اقتصادی آن مقطع زمانی سازگارترند.

تمایل به افزایش ثروت و به حداقل رساندن هزینه‌ها چنانکه از معیارهای مورد توجه در مرحله وضع قوانین است، در مرحله اجرای آن نیز مورد عنایت می‌باشد؛ چراکه قضا در حال رسیدگی به دعاوی ای هستند که بیانگر واقعیات دوره زمانی آنهاست. امروزه آنچه از «نفقه» به ذهن متبادر می‌شود، معنای خاص آن است که جهت غذا، البسه و گذران زندگی زوجه نقداً به وی توسط زوج پرداخت می‌گردد. الزام به تهیه مسکن مستقل و متناسب با شأن زوجه، مصداق نفقه به معنای عام آن است که مانعی جهت طرح آن به‌عنوان دعوی مستقل نیز در قانون مشاهده نمی‌شود.

شاید به دلیل همین رویکرد است که قرار رد دعوی به دلیل درج نام مستعار خواننده در حقیقت، اشتباه در درج نام خواننده در مرحله تجدیدنظر نقض می‌شود و این موضوع را از موارد اخطار رفع نقص تلقی می‌کنند.<sup>۱</sup> این نوع تصمیم دادگاه مانع از اتلاف هزینه‌ها بوده و گامی در جهت رسیدن به کارآیی و افزایش ثروت به‌شمار می‌آید.

نکته دیگری نیز درخصوص این رأی قابل ذکر است و آن اینکه دادگاه بدوی به علت عدم ارائه دلیل موجه، حکم به بی‌حقی صادر کرده و دادگاه تجدیدنظر با اینکه «خواسته با عنوان دعوی مستقل» را غیرقابل رسیدگی می‌داند، اما دادنامه بدوی را تأیید می‌نماید. غیرقابل رسیدگی بودن دعوی، کاملاً منوط به عنوان خواسته است. از این رو، دادگاه قبل از ورود به ماهیت دعوی، رأی صادر می‌کند و در چنین مواردی پرونده مقتضی صدور قرار است و نه حکم به بی‌حقی خواهان. پرسشی که در اینجا مطرح می‌گردد آن است که: اگر دعوی مطروحه، قابل رسیدگی نیست تا دادگاه قرار مقتضی صادر کند، چرا حکم به بی‌حقی به علت عدم اثبات ادعا صادر می‌شود؟ در پاسخ باید گفت دادگاه علی‌رغم ایراد شکلی دعوی وارد ماهیت آن و بررسی ادله شده، سپس مبادرت به صدور رأی نموده است.

نکته جالب توجه دیگر اینکه در ذیل رأی تجدیدنظر، تجدیدنظرخواه (خواهان بدوی) به طرح دعوی مطالبه نفقه هدایت شده است. اگر این ارشاد به موجب اخطار رفع نقص و یا حتی تغییر عنوان خواسته مطرح شود مانع از اتلاف هزینه نیز خواهد بود. حال که رویه قضایی می‌تواند امروزه نقش مؤثری در ایجاد نظم حقوقی داشته باشد و از اهمیتی بیش از یک منبع تکمیلی و تفسیری برخوردار باشد بهتر است این قواعد و رویه در مقام تفسیر و اجرای قوانین در راستای رسیدن به کارآمدی از دیدگاه تحلیل اقتصادی باشد.

### فهرست منابع:

۱. دادگر، یداله، «پیش‌درآمدی بر سنتز حقوق و اقتصاد»، **مجله تحقیقات حقوقی**، ش ۴۳ (۱۳۸۵).
۲. دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۳۰۱۴۳۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۲، شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۳. کلسن، هانس، *النظرية المحضة في القانون*، ترجمه اکرم الوتری (بغداد، ۱۹۸۶م).
۴. ویژه، محمدرضا، «امنیت حقوقی به‌مثابه شرط تحقق امنیت قضایی»، **مجله راهبر (بهار ۱۳۹۰)**.
5. Gray , Christopher Berry, *The Philosophy of Law: An Encyclopedia 2 Volumes*, Garland Publishing, INC, (1999).
6. Holmes, Oliver Wendell, *The Common Law*, Forty fourth Printing, Little Brown and Company, Boston, (1951).
7. Ripert, Georges, *Les Forces creatrices du droit*, Librairie Generale de Droit et de Jurisprudence, Paris, (1955).
8. Stychin, Carl F, *Legal Method: Text and Materials*, Sweet and Maxwell, London, (1999).